



نگرشی بر سازشناسی (سه تار) جلد نخست
محمد رسول جلیوند
نشر تصنیف

در مقوله سازشناسی با دو دیدگاه دایرةالمعارفی و شناختی یا سازشناسی حقیقی روبه‌رو هستیم. در دیدگاه اول سازشناسی علم شناخت سازهای گوناگون مورد استفاده در موسیقی خاص چون موسیقی ایرانی، اروپایی و غیره است و ویژگی مهم این دیدگاه و روش توصیف محض بودن آن است. اما در دیدگاه دوم سازشناسی نه به مفهوم آشنایی با سازهای مختلف، بلکه به معنای بررسی علمی ساز یا سازهای خاص است. نتیجه نخستین این مفهوم، خارج شدن سازشناسی از دایره توصیف‌گرایی محض است.

در واقع در این دیدگاه همان‌گونه که نویسنده متذکر می‌شود همت پژوهشگر، مصروف بررسی و شناخت ساختار، قابلیت‌های فیزیکی، توانمندی‌ها، جایگاه و اوضاع ساز خاصی می‌شود.

کتاب حاضر بر دیدگاه دوم استوار شده است. سه‌تار سازی است که مدت‌ها در انزوا بوده است و به موازات این انزوا، ما با مشکل دیگری که با تمامیت موسیقی ایرانی مرتبط است یعنی عدم توجه به هنر سازسازی و جایگاه و نقش آن در هنر موسیقی روبه‌رو هستیم. بی‌توجهی و عدم التفات تاریخی به هنر سازسازی، باعث شده است آن را رشته یا شغلی جداگانه بنگریم که بیشتر جنبه صنعتی و تجاری دارد تا هنری و علمی. نویسنده بر آن است تا سه‌تار را به عنوان یکی از اصلی‌ترین سازهای ایرانی و هنر سازسازی را به عنوان بخشی از هنر موسیقی ارائه کند.

کلیات، سازشناسی، سازسازی، و سه‌تارشناسی مباحث جلد نخست را به خود اختصاص داده‌اند. مؤلف در رابطه با تأثیر ساز مطلوب بر بیان هنری معتقد است که در دوام و بقای هنر موسیقی نه تنها وجود ساز لازمه‌ای انکارناپذیر است، بلکه مرغوبیت و واقعی بودن آن در درجه کمال ضرورت دارد. توجه به این ارزش‌های سازی به عنوان رکن اساسی ساز و هنر سازسازی و بحث و بررسی در این زمینه یکی از دغدغه‌ها و هدف‌های مهم چاپ کتاب حاضر است. در بحث‌ها و گفتارهای این کتاب به تکرار، بر بی‌توجهی به اهمیت ارزش‌های سازی در تکوین ساز و در نهایت موسیقی گوشزد شده است و می‌توان گفت یکی از علل عمده‌ی عدم رشد هنر سازسازی، غفلت از این مقوله است. پس باید ابتدا نگرش اهل فن و هنر از جمله سازندگان و نوازندگان به سوی ارزش‌های سازی معطوف شود. اما مهم‌تر از آن درک و شناخت ارزش سازی است، یعنی ابتدا باید این ارزش را شناخت و سپس جایگاه آن را در هنر سازسازی بررسی کرد.

مؤلف با ذکر این نکته که چون ارزش‌های سازی به عنوان لازمه‌ها و شرایط اساسی، برای همه سازها ضروری هستند و توجه به اینکه نقطه تمرکز اصلی در کتاب، شناخت ماهیت و ویژگی‌های سه‌تار است، بنابراین بررسی و شناخت ارزش‌های سازی را در بحث سه‌تارشناسی به میان آورده است.

نویسنده در موضوع سه‌تارشناسی، ابتدا به سه‌تار از دیدگاه سازشناسی، جایگاه سه‌تار در موسیقی ایرانی، ارزش‌های سازی سه‌تار (سه‌تار مطلوب و نحوه انتخاب آن) و ارزش سازی چیست، و طبقه‌بندی انواع سه‌تار و مقایسه سازها پرداخته و چنین نتیجه گرفته است که باتوجه به تفاوت‌های بسیار زیاد سازها که در مورد سازهای محصول دست به مراتب بیشتر می‌باشد مقایسه ساز با ساز اساساً اشتباه است. چنان که اگر منظور از مقایسه را قیاس و سنجش دو یا چند شیء یا موضوع مشخص از حیث شرایط و خصوصیات مشخص بدانیم مردود و غیرممکن است، اما مقایسه سازها به طور نسبی و صرفاً بر مبنای ارزشی بودن باید مورد توجه قرار گیرد. وی همچنین به اصول تنظیم و مراقبت از سه‌تار نیز اشاره می‌کند.